

بخش فرهنگی، دفترمان در شرق تهران حوالی خیابان سیلان شمالی در یک منطقه پر ازدحام و مسکونی است که اصلا شباهتی به دفتر ندارد. بسیار کوچک و شلوغ و درهم برهم است؛ لطفاً جا نخورید! راست می‌گفت؛ در یکی از کوچه پس کوچه‌های محله‌ای شلوغ، رنگ خانه‌ای که محل قرارمان بود را زدیم. از پله‌ها که پایین رفتیم، دفتری کوچک و شلوغ را دیدیم که کتابها و کاریکاتورهای متعدد راه نفس دیوارها را گرفته بودند. دفتری عجیب که انگار برای ساعتی ما را وارد دنیای کاریکاتورها کرد.

بخش فرهنگی – «دفترمان در شرق تهران حوالی خیابان سیلان شمالی در یک منطقه پر ازدحام و مسکونی است که اصلا شباهتی به دفتر ندارد. بسیار کوچک و شلوغ و درهم برهم است؛ لطفاً جا نخورید!» راست می‌گفت؛ در یکی از کوچه پس کوچه‌های محله‌ای شلوغ، رنگ خانه‌ای که محل قرارمان بود را زدیم. از پله‌ها که پایین رفتیم، دفتری کوچک و شلوغ را دیدیم که کتابها و کاریکاتورهای متعدد راه نفس دیوارها را گرفته بودند. دفتری عجیب که انگار برای ساعتی ما را وارد دنیای کاریکاتورها کرد. هیجان و تعجب چهره‌هایمان، میزبان را بر آن داشت تا بار دیگر تاکید کند که «دفتر ما همانند شغلمان کاریکاتوری است». اما به گریه خودش این فتر کوچک مهمترین بهایی است که به ما داشته یک جله مستقل داده است؛ مجله‌ای که سال‌هاست با نام جواد علیزاده گره خورده است.

حالا او بعد از نیم قرن فعالیت حرفه‌ای در عرصه کاریکاتور و نزدیک به ۳۰ سال مدیریت مجله «طنز و کاریکاتور» روبه‌روی ما ننشسته است تا بخش‌هایی از تاریخ را برایمان روایت کند. همان سال‌هایی که برای نخستین بار قلم به دست گرفت، کاریکاتور کشید و پا به عرصه هنر و مطبوعات گذاشت.

جواد علیزاده، کاریکاتوریستی خودآموخته که ۳۰ جایزه جهانی در کارنامه حرفه‌ای خود دارد، از سال ۵۰ با مجله «کاریکاتور» کار خود را آغاز کرد و در سال‌های پیش از انقلاب با کشیدن کاریکاتورهای سیاسی در روزنامه «کیهان» مشغول به کار شد. او سال ۶۹ مجله «طنز و کاریکاتور» را راه‌اندازی کرد و تاکنون نیز با وجود مشکلات متعدد، این نشریه را زنده نگه داشته است.

او ۱۹ دی ماه سال ۱۳۳۱ در سردترین فصل سال و در سردترین شهر ایران یعنی اردبیل به دنیا آمد. از کودکی عاشق مداد و مدادرتگی بود و از هر فرصتی برای نقاشی کشیدن استفاده می‌کرد. دور شدن از شهرش در سنین کودکی و تجربه تنهایی باعث شد که به مرور شخصیتی آرام و کم‌حرف در او شکل بگیرد. خودش به شوخی می‌گوید «حتی لیسانس زبان هم نتوانست مشکل بی‌سر و زبانی من را حل بکند.»

پناه بردن از تنهایی به نقاشی

علیزاده سال‌های نخست زندگی خود را اینگونه روایت می‌کند: «در شهر اردبیل متولد شدم و ترک هستم. تا چهار سالگی اردبیل و سپس در پارس اباد مکان ساکن بودیم تا اینکه با انتقال پدرم به تهران ما نیز به همراه او مهاجرت کردیم. بچه بودم و در فارسی صحبت کردن اندکی مشکل داشتم و همین موضوع باعث شد تا بیشتر درون‌گرا شوم و شاید به همین خاطر هم بیشتر وقتم را صرف نقاشی کشیدن می‌کردم یا حتی می‌توان گفتم که به نقاشی پناه می‌بردم. در شش سال اول دبستان شاگرد اول بودم و نقاشی‌هایم در منطقه اول و در مجله‌های کودکان چاپ می‌شد. آن زمان مرسوم بود که عکس و اطلاعات شاگرد اول‌ها را برای مطبوعات می‌فرستادند و آنها نیز منتشر می‌کردند. اما وقتی وارد دبیرستان شدم با سخت شدن درس‌ها، دیگر نتوانستم همانند قبل شاگرد اول باشم. حتی سال چهارم دبیرستان را تجدید و سال ششم را هم ناپلونی قبول شدم. اما در تمام این سال‌ها عشق به نقاشی کشیدن در من ریشه دوانده بود.»

او می‌گوید: سال ۵۰ با دبیلیم طبیعی در کنکور شرکت کردم. کنکور پزشکی را رد شد، اما در سه رشته هنرهای تجسمی یا تزئینی، تلویزیون و سینما و مترجمی زبان انگلیسی قبول شدم. نمی‌دانستم کدام را انتخاب کنم. با خانواده که صحبت کردم گفتند کار هنری آخر و رعایت ندارد و بهتر است رشته زبان را انتخاب کنی. من نیز همین کار را کردم، اما با وجود اینکه رشته زبان انگلیسی خواندم به سمت هنر رفتم. در واقع الان هم ترجمه می‌کنم، اما با زبان هنر. در واقع از رشته اصلی خودم خیلی دور نماندم.

واقعبینی فراتر از خواب و رویا

این هنرمند کاریکاتور یست اظهار می‌کند: پدر و مادرم بسیار اهل مطالعه بودند و من نیز در کنار آنها به خواندن مجلات و روزنامه‌ها علاقه‌مند بودم. همین علاقه باعث شد تا در دوران نوجوانی در مسابقه مجله «کاریکاتو» شرکت کنم و یکی از کارهایم را برایشان بفرستم. با وجود سن کمی که داشتم، کاریکاتوری که انتخاب کرده بودم محتوای سیاسی داشت و دربار جنگ خاورمیانه بود. هم‌اکنون هم به اتفاق چاپ هم شد.

او ادامه می‌دهد: همین موضوع سرآغازی برای حضور در عرصه مطبوعات شد؛ چراکه چندی بعد اثری که برایشان فرستاده بودم در مجله «میدایست» (MIDEAST) در آمریکا نیز چاپ شد. گویا داستان از این قرار بوده است که یکی از خبرنگاران این مجله به ایران آمده بود، این کار را در مجله کاریکاتور می‌بیند، برای «میدایست» می‌فرستد و آنها نیز چاپ می‌کنند. من که خودم در خواب و رویا هم چنین چیزی را نمی‌دیدم. کارهای من وقتی در مطبوعات داخلی هم چاپ می‌شدند، کلی ذوق می‌کردم؛ چه برسد به اینکه در نشریه‌ای بین‌المللی هم منتشر شوند. در واقع اتفاق باعث شد که در مجله «کاریکاتور» و در کنار آقای محسن دولو مشغول به کار شوم.

بخش فرهنگی – چنگیز حبیبیان می‌گوید در آن مقطع ما برای حلال یا حرام بودن موسیقی مبارزه نکردیم، زیرا در جایگاهی نبودیم که در این‌باره اظهارنظر کنیم و همچنان هم در آن جایگاه نیستیم. چنگیز حبیبیان در دهه هفتاد به جمع فعالان موسیقی پیوست. او در سال ۱۳۶۶ به رادیو معارف رفت و نزد حسین صیحدل و محمدحسین جعفری فعالیت خود را آغاز کرد و سپس در اوائل دهه هفتاد یعنی سال ۱۳۷۳ همکاری خود را با مرکز موسیقی صداوسیما آغاز کرد.

«نغمه‌های عاشورایی» اولین آلبوم حبیبیان است که در سال ۱۳۷۶ منتشر شده. «همسفر» به آهنگسازی شادمهر عقیلی و محمدرضا چراغعلی نخستین آلبوم پاپ حبیبیان است که در سال ۱۳۷۸ تولید شده. «لدنسرده»، «ترانه بارون»، «عطش باران»، «شب عاشق»، «قصه دیدار»، «لحظه دیدار»، «گلشن راز» و «فراموشم نکن» نیز دیگر آلبوم‌های این خواننده هستند.

به اعتقاد حبیبیان؛ آنچه موسیقی را به ابتذال می‌کشاند کلام است. گفتگوی ایلنا با این خواننده را در ادامه می‌خوانید.
◆ شما در دهه هفتاد کار در زمینه پاپ را شروع کردید. از آن زمان تا امروز چه اتفاقاتی افتاده است؟

در آن مقطع ما برای حلال یا حرام بودن موسیقی مبارزه نکردیم، زیرا در جایگاهی نبودیم که در این‌باره اظهارنظر کنیم و همچنان هم در آن جایگاه نیستیم. اما آنچه که به نظر می‌رسد این است که برخی مسائل با گذشت زمان حل شده‌اند. این روند درباره موسیقی نیز وجود داشته و باعث نرمش‌هایی شده است. به هر حال موسیقی یکی از هنرهای پر مخاطب است و به قول استاد فریدون شهیازبان موسیقی به خودی خود نمی‌تواند مبتذل باشد.
◆ پس چه چیزی باعث ابتذال موسیقی می‌شود؟

آنچه موسیقی را به ابتذال می‌کشاند کلام است. کلام یکی از مقولات بسیار مهم است که از ابتدا تاکنون حائز اهمیت بوده و پیشینیان نیز بر آن تاکید داشته‌اند. کلام حتی در عرصه‌های دیگر نیز مهم و با اهمیت است. سخنران، گویندگان، مجریان، خطبا نیز مقوله کلام را جدی می‌گیرند.

از دهه هفتاد به این‌سو در بخش کلام ضعف‌هایی ایجاد شده و هنرمندان عرصه موسیقی در این بخش ضعیف عمل کرده‌اند و در حال حاضر نیز این کاستی همچنان وجود دارد. به اعتقاد من اگر مقوله کلام را جدی بگیریم و کیفیت اشعار و ترانه‌ها را بالا ببریم بخشی از مشکلات کیفی آثار پاپ و دیگر گونه‌ها حل خواهد شد. این را هم بگویم از آن مقطع تاکنون اتفاقات عیده‌ای نیز در بخش موسیقی رخ داده است. به طور مثال از برهه‌ای به بعد موسیقی الکترونیک مورد توجه قرار گرفت و اتفاقا کارهای خوبی در این زمینه تولید شد و این روند همچنان ادامه دارد.

متأسفانه ادبیات موسیقایی و کلامی ما طی این سال‌ها به دخترپچه‌ها و پسرپچه‌های نوجوانی که به درستی راهنمایی نشده‌اند و آموزش ندیده‌اند، سپرده شده است. منظورم این نیست که آن افراد آگاهی ندارند و اگر چنین است ما به آنها آگاهی درست نداده‌ایم. از سویی رسانه‌ها نیز برای حل این معضل تلاشی نکرده و نمی‌کنند.
◆ شاید علت اصلی این است که ادبیات را نادیده گرفته‌ایم؟

بله ادبیات اساس و پایه شعر و ترانه است. این را هم بگویم که اغلب نوجوان‌ها و جوان‌هایی که پا به عرصه دانشگاه می‌گذارند، بعدها که سشنان بالاتر می‌رود، متوجه کاستی‌های خود خواهند شد و از اینکه در نوجوانی فلان آثار را گوش می‌دادند تعجب خواهند کرد. آنچه که مسلم است این است که آن نوجوان‌ها و جوان‌ها در حال زندگی می‌کنند اما آسیبها را بعدها متوجه می‌شوند.

در حال زندگی کردن خیلی خوب است، اما شرایطی دارد. نه اینکه هرچه را به خورد

{فرهنگ و هنر}

گفت‌وگو با جواد علیزاده، کاریکاتور یست پیشکسوت

بهای یک عمر زندگی عاشقانه

«کاریکاتور»، «کیهان» و یک عمر بازننشستگی

علیزاده بعد از مجله «کاریکاتور» به روزنامه «کیهان» می‌رود و در سال‌های برپه‌هایوی منجر به پیروزی انقلاب در این روزنامه مشغول کار می‌شود. اگرچه سال ۶۰ به دلیل آنچه اختلافات عقیدتی عنوان شده بود، از این روزنامه جدا می‌شود و مسیر حرفه‌ای خود را به شکل دیگری دنبال می‌کند. او می‌گوید: مجله «کاریکاتور» خیلی سیاسی نبود و در آن زمان بیشتر کاریکاتور هنرپیشه‌ها و خواننده‌ها و به موضوعات فرهنگی و اجتماعی و تفاوت‌های فرهنگی می‌پرداختیم. چند سال مانده به انقلاب خیلی اتفاقی به دنبال یک اتفاق هنری به



روزنامه «کیهان» فتم. داستان این بود که آنتونی کوئین به ایران آمده بود. من نیز کاریکاتور او را کشیده بودم و می‌خواستم در فرودگاه مهرآباد به او بدهم. یکی از خبرنگاران «کیهان» نیز آنجا بود که با دیدن کاریکاتور، از من دعوت کرد که به «کیهان» بروم. روزنامه «کیهان» هم آن زمان واقعا روزنامه خوبی بود و فعالیت در آن برای نه تنها من بلکه بسیاری از جوانان، جالب بود. این هنرمند یادآور می‌شود: به این ترتیب در روزنامه «کیهان» مشغول به کار شدم و چند سال اول بعد از انقلاب را هم آنجا بودم تا اینکه به دلیل اختلاف عقیدتی از روزنامه رفتم. در واقع از روزنامه «کیهان» عذرم خواسته شد. با وجود اینکه این اتفاق زندگی‌ام را بسیار تحت شعاع قرار داداما آینده کشور برایم مهیتر بود. در تمام این سال‌ها خودم را بیمه خویش‌فرما کردم، حداقل حقوق را داشتم و الان هم با حقوق بازنشستگی زندگی می‌کنم.

سال‌های طلایی کاریکاتور در ایران

علیزاده همچنین درباره بهترین دوره‌های کاریکاتور مطبوعات ایران، اظهار می‌کند: یک دوره زمان دکتر مصطفی بود که آزادی مطبوعات زیاد بود و حتی علیه خود مصفق هم کاریکاتورهای زیادی کشیده می‌شد. دوره بعدی سال ۵۷ بود که حدودا یک سال طول کشید و کاریکاتور همه در آن زمان کشیده می‌شد. یک دوره هم سال ۷۶ و در زمان دولت اصلاحات بود که نشریات فضای بازتری داشتند. البته سال ۶۹ نیز به دلیل اینکه تازه جنگ تمام شده بود، فضای بازتری ایجاد شده بود و در همان دوره بود که به مجله «گل آثار» و «طنز و کاریکاتور» مجوز دادند. اگر چه به مجله «طنز و کاریکاتور» به‌سختی و بعد از برگزاری چندین جلسه امتیاز دادند، اما فکر نمی‌کردند که دوام بیاورم.

سال‌ها تلاش عاشقانه، اما با ضرر

او در ادامه می‌گوید: البته این مجله گام‌نامه شده است. در هر شماره‌ای که منتشر می‌شود مقدار زیادی ضرر می‌کنم، اما عشق به کار باعث می‌شود که ادامه بدهم. در واقع کاری را انجام می‌دهم که شاید هیچ آدم عاقلی انجام ندهد. تازه، وزارت دارایی از ما طلب مالیات هم می‌کند و باور نمی‌کند می‌توان، عاشقانه و با ضرر کار کرد. همین موضوع ثابت می‌کند که چقدر عاشق این کار هستم. باور کنید اگر همین دفتر را می‌فروختم یا اجاره می‌دادم خیلی بیشتر می‌توانستم درآمد داشته باشم. علیزاده ادامه می‌دهد: داشتن یک مجله مستقل برای من بسیار مهم بود. من در زندگی به خاطر عقاید و مجله‌ام بهای زیادی داده‌ام. خیلی مواقع مجله را با ضرر منتشر کردم و هنوز هم اینچنین است. طبیعتا هر چقدر کمتر منتشر شود کمتر ضرر می‌کنم. امانمی‌خواهم مجله‌ام به تاریخ بپیوندد و تا لحظه‌ای که زنده هستم انتشار این مجله را ادامه می‌دهم.

مصائب کاریکاتور و کاریکاتور یست بودن

این هنرمند پیشکسوت همچنین در پاسخ به این پرسش که چرا شوخی با رجل سیاسی در عرصه کاریکاتور نسبت به گذشته کمتر شده است، می‌گوید: در حال حاضر با توجه به اینکه اغلب رجل سیاسی، روحانی هستند و با در نظر گرفتن اینکه بر اساس قانون نمی‌شود کاریکاتور روحانیون را کشید، طبیعتا شوخی با سیاسیون نیز کمتر شده است. البته به شخمه فکر می‌کنم حتما لازم نیست که کاریکاتور افراد کشیده شود و می‌توان عقیده‌ها آنها

چنگیز حبیبیان:

برای حلال یا حرام بودن موسیقی مبارزه نکردیم

ما دادند، بینیم و بشنویم. از طرفی به طور کلی سرعت و ریتم زندگی مردم بالاتر رفته و این تعجیل، زمان تولید آثار را کوتاهتر کرده است. قاعدتا تولید آثار در مدت زمان خیلی کوتاه کیفیت آنها را تحت تاثیر قرار خواهد داد. از سویی کیفیت طرز کلی سال‌های اخیر موسیقی الکترونیک به کمک موسیقی آنالوگ آمده و همین اتفاق مدت زمان تولید آثار کوتاهتر کرده



است. به هر حال وفور ابزار و ادوات نرم‌افزاری و دستگاه‌های مختلف همچنین عمومیت یافتن اینترنت به عنوان رسانه‌ای همگانی کم و کیف تولید و انتشار آثار را تحت تاثیر قرار داده است. در کل با وجود شرایط فعلی، منطقی و طبیعی است که سرعت تولید بالاتر برود و چه بخواهیم چه نخواهیم این اتفاق رخ داده است. مثلا اگر در گذشته تولید یک اثر یک هفته زمان می‌برد، حالا همان اثر دو روزه ضبط می‌شود و در مرحله انتشار می‌رسد. طی این روند شخصی که برای تولید اثری، یک هفته زمان می‌گذاشته، حال همان زمان را به تولید دو یا چند اثر اختصاص می‌دهد. بنا به همین دلایل است که تعداد تولیدات آثار مختلف موسیقایی به شدت افزایش یافته است.

◆ به نظر تان این رویه در همه کشورها وجود دارد؟

به نظر هم کشورهای دیگر نیز فارغ از حلال یا حرام بودن موسیقی، چنین رویه‌ای دارند. به هر حال موسیقی خوب و بد همیشه وجود داشته و اینگونه نیست که کاستی‌ها و ضعف‌ها، محدود به کشور ما باشد. در حال حاضر دیگر حلال و حرام بودن موسیقی برای ما موضوعی حل شده است و اگر توجه کنید انواع آثار در ایران تولید می‌شود. در حال حاضر وزارت ارشاد به هر نوع موسیقی مجوز می‌دهد و انواع کنسرت‌ها روی صحنه می‌روند.

◆ می‌توان گفت وزارت ارشاد و نهادهای مرتبط در این تنزل سهمیم هستند.

به هر حال نهادهای ذیربط باید قدری در شیوه نظارت‌ها جدی‌تر باشند و به دور از روابط و غرض‌پورزی به انتخاب آثار بپردازند و طی روندی مشخص به آثار مجوز دهند. در نهایت ما مسئولان باید خوراک مردم و مخاطبان را بشناسیم و طبقه‌بندی‌ها و رنج سنی را مدنظر قرار دهیم.

را نقد کرد. باور دارم یک کاریکاتور یست حرفه‌ای می‌تواند در هر شرایطی انتقاد کند. علیزاده یادآور می‌شود: به طور کلی به دلیل اینکه کاریکاتور مطبوعاتی ایران (چه آنهایی که در فضای مجازی منتشر می‌شوند و چه آنهایی که در روزنامه‌ها و مجلات به چاپ می‌رسند)، به اوضاع احوال و جامعه نگاه انتقادی دارد، همواره با مشکلاتی مواجه است. همچنین باید این نکته را نیز در نظر گرفت که حق‌الزحمه کاریکاتور یست‌ها نیز بسیار کم است و حتی ممکن است در برخی مواقع رایگان هم کار کنند. برای من نیز بعد از سال‌ها فعالیت، هنوز پیش می‌آید که حق‌الزحمه کارم را نمی‌گیرم. از سوی دیگر آثار کاریکاتور یست‌ها در نمایشگاه‌های هنری هم به فروش نمی‌رسد؛ البته این رویکرد در تمام دنیا وجود دارد. او می‌گوید: کاریکاتور هنری است که جنبه سیاسی آن موجب رشد انتقادپذیری در جامعه می‌شود، جنبه روحی و روانی آن باعث می‌شود جامعه به مشکلات خودش بخندد و جنبه گرافیتی آن موجب ارتقای فرهنگ بصری مخاطب و جامعه شود. در واقع کاریکاتور هنری چند بعدی است که آنگونه که باید مورد توجه قرار نگرفته است. علیزاده همچنین درباره نسل جدید کاریکاتور یست‌ها، می‌گوید: آدم وقتی کار می‌کند در لحظه نمی‌داند چه تصویری را در آینده برای خود می‌سازد. کارهای سال‌ها پیش را می‌بینم و بعضی‌ها هم واقعا خوب هستند، اما بسیاری فقط برای جشنواره‌های خارجی کار می‌کنند و تعهدی نسبت به جامعه خود ندارند. شرکت در جشنواره‌های خارجی اصلا اشکالی ندارد، اما فقط برای این جشنواره‌ها کار کردن هم درست نیست. فکر می‌کنم کاریکاتور یست خود نباید ارتباطش را با داخل قطع کند و حتی اگر شده با حق‌الزحمه خیلی کم هم در جامعه تاثیر خودش را بگذارد. همیشه به نسل جدید توصیه می‌کنم سعی کنید که شغل اصلیتان کاریکاتور نباشد و هر چیزی که به آن باور ندارید را کار نکنید. چون کاریکاتور هنر متعددی است.

شوخی با انیشتین و فرمول‌های فیزیک

علیزاده در بخش دیگری از صحبت‌های خود از آثار ماندگاری که خلق کرده است می‌گوید. او یکی از مجموعه آثاری که برای خودش بسیار خاطر‌انگیز است را کاریکاتورهای شوخی با انیشتین می‌داند و در این زمینه می‌گوید: چندان اهل درس نبودم، اما همیشه از خلاقیت و نوآوری استقبال می‌کردم. سال ۶۰ که از «کیهان» بیرون آمدم، چندین سال خانه‌نشین شدم و در همان زمان شروع کردم به خواندن کتاب‌های انیشتین و موضوعاتی همچون اتحنای جهان و زمان برایم بسیار جالب بودند. بنابراین تصمیم گرفتم به این موضوعات به چشم سوزه نگاه کنم. این هنرمند اظهار می‌کند: لیکن این کارها در سال جهانی فیزیک در ایران زمان فیزیک اروپا انتشار یافت. ولی در ایران حتی یک نفر هم به آنها توجهی نشان نداد. آن زمان یک استاد دانشگاه از اتریش ایمیل زد و اجازه خواست که یکی از شوخی‌های من را با فرمول انیشتین در دانشکده‌شان بگذارد. او گفت این کار باعث می‌شود ترس دانشجویان از فرمول‌ها ریخته شود. اما در کشور ما توجهی به این موضوعات نمی‌شود. من هم آدمی نیستم که خودم را معرفی کنم، بگویم این کارها را استفاده کرده‌ام و ترجیح می‌دهم در انزواي خودم باشم.

صادق هدایت کجا و شرعیتی کجا؟!

او در ادامه به مجموعه آثار خود از صادق هدایت اشاره می‌کند و می‌گوید: یکی از کارهای مجموعه صادق هدایت از خودم هم معروف‌تر است. معمولا همه ما از دنیای بعد از مرگمان خبر نداریم، اما من درم خورم چون معتقدم بعد از من هم این کار به حیات خودش ادامه می‌دهد. این کار به نوعی با صادق هدایت عجین شده است. البته اصلا مشخص نیست که این کار را من کشیده‌ام، چراکه به خاطر عشقی که به اثر داشتم و نمی‌خواستم توازن آن بهم بخورد، روی کار امضا نگذاشتم و همین موضوع باعث شد که کار بارها و بارها بدون نام منتشر شود. علیزاده خاطر نشان می‌کند: در سال‌های بعد از انقلاب به من می‌گفتند صادق هدایت کجا و دکتر شرعیتی کجا! اما به نظرم هر شخصیتی که در جامعه طرفدار دارد و تاثیرگذار است را می‌توان تأیید کرد. ضمن اینکه یادم است یک بار از احسان شرعیتی (فرزند علی شرعیتی) پرسیدم که درباره هدایت کار کنم و تا به خودم آمدم هدایت چه بوده است که گفت مخالف او نبوده است. این در حالی است که بسیاری از طرفداران هدایت جنبه منفی او را بیشتر نشان می‌دهند، اما من اصلا در کارهایم به این جنبه‌ها نمی‌پرداختم. او یادآور می‌شود: «داستان کشیدن مجموعه آثار هدایت از این قرار بود که وقتی کتاب «بوف کورا» را خواندم، سعی کردم آن را مصور کنم. هدایت هم بهایلی هم بسیاری از کتاب‌های او ممنوع بود چون بر این باور بودند که آثار او در جوان‌ها اندیشه خودکشی ایجاد می‌کند. اما من هر وقت فکر خودکشی به سرم می‌آمد، کتاب‌های هدایت را می‌خواندم و به زندگی امیدوارم می‌شدم؛ چراکه بحث همدات‌پنداری در میان بود؛ اینکه می‌فهمید فرمودان داستان هدایت تا من هم بدبخت‌تر است! کلی می‌خواست درباره هدایت کار کنم و تا به خودم آمدم هدایت چه بوده است که حدود ۴۰ اثر از او و درباره او خلق کردم. تا آن زمان کسی این کار را نکرده بود. من هم خواسته این کار را انجام نداده و فقط به علاقه‌ام توجه کرده بودم. در نهایت فروردین ۵۷، برای سالم‌رگ هدایت با یک گالری صحبت کردم که نمایشگاهی برای او برگزار شود که اینچنین هم شد. مدتی بعد نیز انتشارات «طیایی» کتابی از مجموعه کاریکاتورهای هدایت منتشر کرد.

چهارشنبه ۲۲ آبان ۱۳۹۸

خبر

سروش صحت:

مجری‌گری بلد نیستم



بخش فرهنگی– سروش صحت درباره اجرای برنامه «کتاب باز» و دغدغه‌هایش برای افزایش فرهنگ کتابخوانی، می‌گوید: پیش از این مجری‌گری نکرده بودم و از این به بعد هم بعید می‌دانم که این کار را بکنم، چون مجری‌گری بلد نیستم. اما از آنجا که به حوزه کتاب علاقه‌مند بودم، به برنامه «کتاب‌باز» آمدم. امیدوارم تا ابد و تا روزی که زنده‌ام، این برنامه ادامه داشته باشد.

این کارگردان و بازیگر در گفت‌وگویی با ایسنا در پاسخ به اینکه چه انگیزه‌ای سروش صحت را به سمت اجرای برنامه‌ای گفت‌وگو محور مانند «کتاب باز» می‌کشاند؟ چنین توضیح می‌دهد: مجری‌گری بلد نیستم، ولی به حوزه کتاب علاقه‌مند بودم و همین طور به حرف زدن، آدم‌هایی هم که درباره کتاب حرف می‌زنند، با هر نوع فکر و اندیشه و نگاهی که باشند برایم جالب هستند. بنابراین زمانی که آقای دکتر احسانی –مدیر شبکه نسیم – و آقای رضاییان – تهیه‌کننده برنامه کتاب باز – این پیشنهاد را به من دادند، خیلی دو دل بودم ولی بعد دیدم که کاری است که آن را دوست دارم. معمولا هم سعی می‌کنم چیزهایی که دوست دارم را اگر قابل انجام شدن باشند انجام بدهم.

صحت در پاسخ به این پرسش که آیا تا به حال فکر کرده است که سریالی با موضوع کتاب و فرهنگ مطالعه بسازد تا تاثیر بیشتری بر مخاطبان داشته باشد؟ هم می‌گوید: تاکنون فکر نکردم؛ چراکه بیش از این در فصل یک دوست عزیزم، امیرحسین صدیق اجرای کتاب باز را عهدمدار بودند و من ادامه‌دهنده بودم، باز زیادی از این کار و شناخته شدن آن به خاطر اجرای درست و نحوه صحیح اجرای امیرحسین صدیق بود.

او با بیان اینکه کتاب و کتاب خوانی یکی از دغدغه‌های اصلی‌اش است، در این زمینه توضیح می‌دهد: اصلا کتاب خواندن برایم دغدغه بوده و لذت‌بخش است.

وی در پاسخ به اینکه مخاطبان هدف برنامه کتاب باز را چه قشری می‌داند؛ توضیح می‌دهد: استقبال از این برنامه قابل قبول بوده است. خودمان هم فکر نمی‌کردیم برنامه‌ی کتاب باز با این میزان استقبال مواجه باشد. ما هر دو دسته از مخاطب را داریم؛ هم مخاطب کتاب‌خوان و هم مخاطب عام که می‌گویند این برنامه باعث شده تا ما به کتاب و کتاب خوانی علاقه‌مند باشیم.

صحت درباره‌ی اینکه فکر می‌کند کتاب باز تا چه زمانی می‌تواند ادامه داشته باشد و در صورت ادامه‌دار بودن، چه تغییراتی در آن اعمال خواهد شد؟ می‌گوید: من امیدوارم تا ابد و تا روزی که من زنده‌ام این برنامه ادامه داشته باشد. از این کارگردان می‌پرسیم که بخش برنامه‌ی «کتاب‌باز» از شکست‌های مانند نسیم چقدر آن‌را متفاوت می‌کند با برنامه‌های که با موضوع کتاب‌خوانی برای مثال از شبکه چهار سیما پخش می‌شود؟ که صحت چنین پاسخ می‌دهد:

«با توجه به اینکه شبکه نسیم یک شبکه سرگرمی است، این برنامه هم به نوعی سرگرم کردن مخاطب را هدف قرار داده است. کتاب خواندن هم یک نوع سرگرمی است. اتفاقا ما خیلی وقت‌ها کتاب می‌خوانیم برای اینکه به ما خوش بگذرد و از آن لذت ببریم و اینکه زمان خوبی داشته باشیم. کتاب خواندن یک کار خشک نیست. کتاب خیلی وقت‌ها شیرین است. یادم است دوره‌هایی که در مطبع دبیرستان تحصیل می‌کردم، یکی از زمان‌ها انقشر برایم جذاب بود که در مسیر برگشت از دبیرستان با عجله به خانه می‌آمدم که زودتر کتابم را بخوانم.

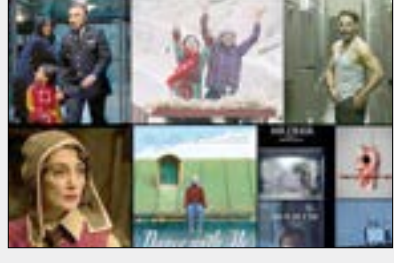
سروش صحت در پایان گفت‌وگو با ایسنا وقتی با پرسش‌هایی درباره مجموعه‌ی جدیدش «فوق لیسانس‌ها» مواجه می‌شود، اینگونه عنوان می‌کند فعلا تمایلی به صحبت در این زمینه ندارد و باین حال در جملاتی کوتاه درباره‌ی اینکه چه آینده‌ای برای این سریال کمدی متصور می‌شود و آیا موفقیت «لیسانس‌ها» را تکرار خواهد کرد؟ می‌گوید: ما سعی‌مان را کرده‌ایم و امیدوارم این اتفاق بیفتد. او همچنین در پاسخ به اینکه این روزها بسیاری از کارگردانان به سمت ساخت سریال برای شبکه نمایش خانگی گرایش پیدا کرده‌اند، آیا او هم تمایلی به حضور در این شبکه دارد؟ می‌گوید: تا به حال به آن فکر نکرده‌ام و باید پیش بیاید.



۹ فیلم ایرانی مسافر جشنواره‌ی "تالین" شدند

فیلم‌های ایرانی در جشنواره

فیلم تالین ۲۰۱۹



بخش فرهنگی– فهرست فیلم‌های بیست و سومین جشنواره فیلم "شبه‌های سیاه تالین" با حضور ۹ فیلم ایرانی کوتاه و بلند در بخش‌های مختلف این رویداد سینمایی اعلام شد. به گزارش ایسنا، فیلم «شبی که ماه کامل شد» ساخته نرگس آبیان نماینده سینمای ایران در بخش مسابقه رسمی جشنواره تالین ۲۰۱۹ خواهد بود و دو فیلم «متری شیش و نیم» به کارگردانی سعید روستایی و «سرخپوست» از نیما جاویدی نیز در بخش «مواج جاری» این رویداد سینمایی به روی پرده می‌روند و «مسخره‌باز» هم‌ایون غنی‌زاده هم در بخش فخرآرینی نمایش حضور داشت. «آواز گنجشک» به کارگردانی فرزانه امیدوارنیا، «هتل بچه آدم» ساخته آرین وزیر دفتری، «شهرپزاری» ساخته کاوه مظاهری و انیمیشن «قای گوزن» از مجتبی موسوی نیز در بخش فیلم‌های کوتاه جشنواره تالین حضور دارند و فیلم «چهان با من برقص» ساخته سروش صحت در اولین نمایش بین‌المللی خود در بخش رقابتی فیلم‌های دل این جشنواره سینمایی حضور خواهد داشت.

بیست و سومین جشنواره فیلمی شبه‌های سیاه تالین از تاریخ ۱۵ نوامبر تا اول دسامبر (۲۴ آبان) تا ۱۰ آذر ماه در استونی برگزار خواهد شد.